

معارف اسلامی ۸۲

تشیع

دین کامل، کمال دین

حسین غفاری

(عضو هیئت علمی گروه فلسفه دانشگاه تهران)



تهران ۱۳۹۷

فهرست

۱۷

مقدمه

بخش نخست. تشیع: حقیقت باطنی دین

۲۹	فصل ۱. ملاک‌های ذکر شده برای تمایز تشیع و تسنن
۲۹	۱. تمایز سیاسی در تعیین رهبر و حاکم اسلامی
۳۴	۲. تمایز فقهی
۳۵	۳. تمایزهای کلامی
۳۵	مسئله تقریب با وجود تمایزات میان تشیع و تسنن
۳۷	تمایز اصلی میان شیعه و سنی تفاوت دیدگاه در ماهیت دین است
۳۸	دیدگاه اول: دیدگاه حاکم بر اهل سنت
۳۸	دیدگاه دوم: دیدگاه پیروان اهل بیت <small>علیهم‌السلام</small>
۴۰	تبیین دیدگاه دوم
۴۰	الف. عمیق‌تر بودن نیاز بشر به دین از نیازهای ظاهری
۴۲	ب. نیاز به اسوه و راهبر برای سلوک الی الله
۴۵	ج. حقیقت انسان و مقام او در خلقت
۴۷	دو نگاه به پیامبر اکرم <small>صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم</small>
۵۰	انطباق این دو نگرش با تاریخ اسلام
۵۰	دیدگاه حداقلی اهل سنت رسمی از دین و پیامبر
۵۲	تخفیف و تضعیف شخصیت پیامبر اکرم <small>صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم</small> در کتب صحاح
۵۵	علت تخفیف شخصیت پیامبر <small>صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم</small> در منابع اهل سنت
۶۵	فصل ۲. دیدگاه تشیع درباره شخصیت پیامبر <small>صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم</small>
۶۸	ضرورت عصمت نبی و اولی الامر بنا بر قرآن کریم

۳۲۶	تبیین علامه طباطبایی از ضرورت عقلی در احکام انشایی	۲۳۱	ظرفیت فوق طبیعی انسان در قرآن کریم و عدم تنافی آن با توحید قرآنی
۳۳۷	فصل ۲. موقعیت عقل و عقلانیت در احادیث شیعه	۲۳۳	هدایت قرآنی به امامت ولایی
۳۳۸	حدیث اول در جایگاه وجودی عقل	۲۳۴	عدم تعارض میان دو دسته آیات درباره ظرفیت وجودی پیامبر اکرم <small>ﷺ</small>
۳۴۳	حدیث دوم در تابعیت عقل از حکم خداوند	۲۳۹	عدم تنافی میان مرتبه الهی و مرتبه طبیعی وجود پیامبر <small>ﷺ</small>
۳۴۸	تبیین قاعده ملازمه میان عقل و شرع	۲۴۳	لغزش های ناشی از عدم توجه به مراتب وجود انسانی در مسأله غلو
۳۵۲	ناسازگاری دیدگاه تصویب با قاعده ملازمه	۲۵۱	تمایز میان غلو با فضائل متعالی ائمه <small>علیهم السلام</small>
۳۵۶	حدیث سوم در شأن عقل در زندگی معنوی	۲۵۲	ضابطه تشخیص غلو و بیان مصادیقی از آن
۳۵۸	رویکرد عقلانی شیعه به حدیث و سنت و تفسیر	۲۵۷	جمع بندی درباره چگونگی برخورد با روایات اعتقادی
۳۷۷	فصل ۳. رویکرد ضد عقلانی جمهور اهل سنت به اخبار آحاد برای توجیه عدالت صحابه	۲۵۹	فصل ۶. نقش دیدگاه ولایی امامت در هدایت دینی
۳۸۰	رویکرد ضد عقلی جمهور اهل سنت در احادیث مربوط به صحابه	۲۶۱	تفاوت سنخ هدایت نبی با امام
۳۸۱	مساوی شدن امام علی <small>علیه السلام</small> و معاویه با رویکرد ضد عقلانی به حدیث	۲۶۹	هدایت عینی انسان های به حق رسیده توسط انبیاء و امامان الهی در قرآن کریم
۳۸۴	رویکرد عقلی برخی متفکرین اهل سنت به مسأله صحابه	۲۷۰	هدایت باطنی و عینی در مقابل هدایت ظاهری و ادراکی و مفهومی
۳۸۸	خروج از مسلمات عقلی در نزد برخی علمای اهل سنت در مسأله صحابه	۲۷۱	وجوه تمایز هدایت مفهومی و هدایت عینی از یکدیگر
	بخش چهارم. رویکرد عقلی به مسأله امامت و برپایی نظام عادلانه	۲۷۳	صراط و سیل و هدایت کنندگان به آنها در قرآن کریم
۳۹۵	فصل ۱. رویکرد عقلی به مسأله امامت در تفسیر قرآن کریم	۲۷۴	حقیقت راه و وصول به خدا و نقش امام در پیمودن این راه
۳۹۵	آیه تبلیغ و نکات عقلانی آن	۲۷۹	ضرورت پیمودن راه به سوی خدا، طوعاً او کرهاً
۳۹۸	نظر علمای اهل سنت در شأن نزول آیه تبلیغ و مراد آن	۲۸۰	حقیقت راه به سوی خدا و نسبت آن با مراتب عالم
۴۰۰	نقد عقلی نظرات ذکر شده از مفسرین اهل سنت	۲۸۶	تفاوت میان صراط مستقیم و سبیل الهی
۴۰۱	شواهد نقلی از کتب معتبر اهل سنت در شأن نزول آیه تبلیغ مطابق نظر شیعه	۲۸۹	چگونگی هدایت به صراط مستقیم و عالم امر
۴۰۶	علت پرداختن به شواهد نقلی در کنار تفسیر عقلی آیات	۲۹۱	رسول اکرم <small>ﷺ</small> و ائمه معصومین <small>علیهم السلام</small> تنها هادیان مطلق به صراط مستقیم
۴۰۶	نقد کتاب عبدالله سالم در نبودن شواهد نقلی بر امامت امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small>	۲۹۵	نتیجه گیری
۴۱۷	اشکالات وارد بر بیان عبدالله سالم در فقدان شواهد نقلی بر امامت علی <small>علیه السلام</small>	۲۹۹	ضرورت محبت به ذوی القربی برای وصول به کمال
۴۲۱	پاسخ به شبهات عبدالله سالم	۳۰۴	رمز قرار گرفتن محبت اهل بیت <small>علیهم السلام</small> به عنوان اجر رسالت
۴۲۴	شواهدی از بزرگان و ائمه حدیث اهل سنت در صحت سند حدیث غدیر		بخش سوم. بنیاد عقلانیت شیعه، حسن و قبح عقلی یا شرعی
۴۲۵	نقد قول عبدالله سالم در عدم کاربرد «وصی» به معنی جانشین پیامبر، در میان مسلمانان	۳۰۹	مقدمه
۴۲۶	مواردی از اطلاق وصی بر امام علی <small>علیه السلام</small> در کلام پیامبر <small>ﷺ</small>	۳۱۱	فصل ۱. بنیاد عقلانیت شیعی
۴۲۸	اذعان صحابه بر کاربرد لفظ وصی برای امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small>	۳۱۱	همسویی فرهنگ عقلی و فلسفی و حکمت الهی با تشیع
۴۳۰	بیان ائمه اطهار <small>علیهم السلام</small> در اطلاق وصی بر امام علی <small>علیه السلام</small>	۳۱۲	عقلانیت در مباحث کلامی و عقیدتی
۴۳۰	۱. وصی در کلام امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small>	۳۱۳	حسن و قبح عقلی در تشیع
۴۳۱	۲. وصی در کلام امام حسن مجتبی <small>علیه السلام</small>	۳۱۷	تبیین دقیق حکمای شیعی از حسن و قبح عقلی و فرق آن با حسن و قبح ذاتی
۴۳۱	۳. وصی در خطابه حضرت اباعبدالله حسین بن علی <small>علیه السلام</small>	۳۲۰	ارزیابی دیدگاه متفکرین معاصر در حسن و قبح
۴۳۱	۴. وصی در لغت و ادب عرب	۳۲۲	نظر هیوم در نسبت میان احکام توصیفی و انشایی در حسن و قبح و توجه حکمای اسلامی به آن
۴۳۴	توجهات ناروا در معنای وصایت توسط برخی بزرگان اهل سنت		

۵۵۷	فصل ۵. ادله اثبات انتصاب امام با استفاده از آیه تبلیغ
۵۶۰	علمای مشهور اهل سنت که شأن نزول آیه تبلیغ را برای روز غدیر در کتب خود ذکر کرده‌اند
۵۶۸	حل اشکالات وارد بر دیدگاه شیعه در شأن نزول آیه تبلیغ
۵۷۲	پاسخ به اشکال آلوسی و رشید رضا
۵۷۵	بحث سندی درباره حدیث اکمال دین
۵۷۶	نقد کلام ابن اثیر
۵۸۰	نقد شبهه عدم احتجاج امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small> با آیه تبلیغ
۵۸۳	سوگند دادن (مناشدۀ) امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small> گروه‌های مختلف را در مورد حدیث غدیر
۵۸۹	بازگشت به آیات سوره مانده؛ تأملی عقلی
۵۹۰	تأملی عقلی در معنا و جایگاه آیه اکمال دین
۶۰۰	جمع‌بندی حوادث مهم دو ماه آخر حیات شریف پیامبر اکرم <small>صلی الله علیه و آله و سلم</small>
۶۰۷	کتاب‌نامه
۶۱۳	نمایه

۴۳۷	فصل ۲. نقد دلایل استنباطی بر عدم وجود نصّ بر وصایت امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small>
۴۳۷	وضیعت بیعت صحابه با ابوبکر
۴۴۸	عدم دلالت بیعت امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small> با خلفا بر نبودن وجود نص
۴۴۸	اقدامات حزب حاکم برای اخذ بیعت از امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small> و دلالت آن بر عدم رضایت ایشان
۴۵۱	پاسخ به شبهه عدم احتجاج امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small> به حدیث غدیر
۴۵۳	عدم نقل تاریخی احتجاج امام به غدیر به معنای عدم وقوع تاریخی آن نیست
۴۵۳	عدم صحت استدلال به امور سلبی در حوادث تاریخی
۴۵۸	مواردی از استناد امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small> به واقعه غدیر
۴۶۵	استناد به بیان و عمل امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small> بر عدم وجود نص و نقد آن
۴۶۹	برخی دلایل امتناع امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small> از اقدام علیه خلفا
۴۷۲	اعلام نارضایتی امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small> از غضب خلافت توسط خلفا
۴۷۳	خطبه شفشقیه بیانگر عدم رضایت دائمی امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small> از غضب خلافت
۴۸۷	مبنای مشروعیت شورا در انتخاب رهبر
۴۹۳	فصل ۳. بحثی در ماهیت خلافت اسلامی
۴۹۳	توجه متفکرین معاصر اهل سنت به امر خلافت
۴۹۴	مبارزه حزب وطنی ترکیه با مظاهر حکومتی دین
۴۹۵	واکنش‌ها نسبت به اقدامات حزب وطنی ترکیه
۴۹۵	طرح رشید رضا برای احیاء خلافت اسلامی
۴۹۷	بیان رشید رضا در مردمی و شورایی بودن انتخاب خلفای راشدین
۵۰۳	روش‌های نامتوازن در کسب خلافت توسط خلفای سه‌گانه
۵۰۶	نقد روش خلیفه دوم در تعیین شورای شش نفره برای انتخاب خلیفه
۵۱۷	عدم انطباق نظر رشید رضا در تعیین حاکم با نحوه به قدرت رسیدن خلفای ثلاث
۵۱۹	نقد دکتر صبحی در نحوه به قدرت رسیدن خلفای ثلاث
۵۲۰	بررسی دیدگاه دکتر صبحی درباره شیعیان
۵۲۷	بازگشت به دفع شبهه عدم استناد امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small> به غدیر
۵۳۳	فصل ۴. بازگشت به استنادات عقلی از آیات و روایات در اثبات امامت امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small>
۵۳۴	امر مورد ابلاغ در آیه ۶۷ سوره مانده
۵۳۵	دیدگاه عموم علما درباره امر مورد ابلاغ
۵۴۰	بررسی فرض نازل شدن آیه تبلیغ در سال آخر حیات پیامبر <small>صلی الله علیه و آله و سلم</small>
۵۴۰	نقد فرض «اعلام خطر یهود و نصاری» به‌عنوان امر مورد ابلاغ در آیه تبلیغ»
۵۴۸	توجیه فخر رازی در معنای «فما بلغت رسالته»
۵۴۹	نقد علامه طباطبایی بر توجیه فخر رازی
۵۵۰	انتقادات دیگر بر توجیه فخر رازی
۵۵۱	بیان شیعه از امر مورد تبلیغ در آیه تبلیغ

فصل ۱

ملاک‌های ذکر شده برای تمایز تشیع و تسنن

۱. تمایز سیاسی در تعیین رهبر و حاکم اسلامی

اگر پرسند شیعه کیست؟ عموماً پاسخ می‌دهند سرنوشت این بحث به مهم‌ترین مسأله بعد از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، یعنی مسأله زعامت و رهبری ملت اسلام گره خورده است و سرنوشت این مسأله، تعیین‌کننده سرنوشت آن بحث هم است.^۱ اینکه چه کسانی و با چه ادله‌ای زعامت بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را به عهده دارند؟ اهل سنت، با ادله‌ای که دارند، قائلند ابوبکر، عمر و عثمان زعامت را به عهده گرفتند و نهایتاً حضرت علی علیه السلام به عنوان خلیفه چهارم به زعامت رسید.

در مقابل این نظر، دیدگاه کسانی است که معتقدند از ابتدا خود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با بیانات مختلف به صورت نص، حکومت و رهبری بعد از خود را به حضرت علی علیه السلام تفویض نمود. بعد از آن حضرت نیز امامت به اولاد معصوم ایشان، یعنی یازده فرزند گرامی علی بن ابی طالب علیه السلام از اولاد حضرت فاطمه زهرا علیها السلام دخت گرامی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نسل بعد از نسل واگذار شد. معمولاً گفته می‌شود که این دیدگاه تشیع است، و اگر کسانی به این مطلب معتقد باشند، شیعه محسوب می‌شوند.

اگر مسأله در همین حد باشد، سؤال می‌کنیم که آیا واقعاً ما اختلاف زیادی با اهل

۱. اشاره به گفتار عبدالکریم شهرستانی در مقدمه الملل و النحل در این باره.

تسنن داریم؟ اگر مشکل بر سر این است که این دسته از افراد یا آن دسته از افراد جانشین پیامبر اکرم ص باشند و به فرض که طرف مقابل بپذیرد که فاصله بین حضرت علی ع و دیگر ائمه از فرزندان امیرالمؤمنین ع با خلفای دیگر، از زمین تا آسمان است، آیا مشکل حل و اختلافات به تاریخ سپرده می شود؟

در واقع مشکل میان جماعت شیعه و اهل سنت در چیست که در عین وجود عوامل فراوان وحدت، تا این اندازه میان ما و آنها جدایی انداخته است؟ آیا این است که ما می گوییم که در گذشته خلافت حق آن بزرگواران بوده است؟ بسیار خوب، ولی الان که به حسب ظاهر خلافت بالفعلی در کار نیست و وجود مبارک امام زمان ع هم در پس پرده غیبت به سر می برند. بنابراین ممکن است یک سنی منصفی بگوید قبول، اگر امام زمان ع تشریف آوردند سلیمان، قبول می کنیم ولی حالا که تشریف نیاورده اند، پس اختلافی در کار نیست؛ و اگر کسی از ما سؤال کند که الان نقش امام زمان ع چیست، جواب می دهیم که نقش هدایت باطنی را دارند و این فرد می تواند بگوید اشکالی ندارد، این یک امر تکوینی و مربوط به نظام خلقت است و ما سلباً و ایجاباً در آن نقشی نداریم، ما نمی توانیم جلوی آن را بگیریم، یعنی یک سنی که نمی تواند در عالم تکوین دخالت کند. علاوه بر آنکه همه آنها اصل وجود حضرت مهدی ع را قبول دارند؛ یعنی وجود حضرت مهدی ع به عنوان یک شخص و رهبر الهی نهایی که در آخر زمان خواهد آمد، مورد اختلاف هیچ یک از محققین سنی نیست و روایات پیامبر اکرم ص در این زمینه نزد اهل سنت، کمتر از روایات ما نیست و بین مسلمین کسی نظری خلاف این ندارد. شاید اختلاف در این باره باشد که این شخص از اولاد امام حسن عسکری ع نیست، ولی این گونه اختلافها منشأ اثر بالفعل نمی باشد که بر اساس آن بتوانیم بگوییم الان یک شیعه و سنی که در مقابل هم ایستاده اند اختلافشان بر این مبناست.

به عبارت دیگر، نتایج این اختلافات، عمیق و تعیین کننده نیست و اگر یک شیعه سنی شود و سنی ها شیعه گردند اتفاق خاصی نمی افتد. فرض کنید ما می گوییم که بعد از پیامبر تا قرن سوم و غیبت امام زمان ع، خلافت حق خاندان پیامبر اکرم ص است. یک سنی بگوید که ما از طرف جامعه اهل سنت از شما شیعیان یا از سادات از اولاد فاطمه ع، معذرت می خواهیم، به خاطر گفتار خلیفه دوم، عمر بن خطاب، در

یوم الخمیس،^۱ روز وفات پیامبر اکرم ص، و به خاطر گرفتن فدک از حضرت فاطمه ع توسط خلیفه اول و به خاطر جنایات بنی امیه در حق سبط پیامبر و ریحانه رسول در کربلا، از همه اینها معذرت می خواهیم (مثل اینکه آلمانی ها از یهودی ها به خاطر مسائل جنگ جهانی دوم معذرت خواستند). پس باید مشکل حل شود و اختلاف شیعه و سنی از بین برود، زیرا الان که نه اولاد خلفای سه گانه را به خاطر اعمال خلفای سه گانه محاکمه می کنند و نه نیاز است که هدایا و غراماتی به سادات و شیعیان بپردازند! اگر جدل بین شیعه و سنی به خاطر یک حکومت بالفعل امروزی بود، در آن صورت، این بحث قابل توجیه بود ولی این بحث مربوط به گذشته است و جدی گرفتن آن اکنون جایی ندارد.^۲

- داستان یوم الخمیس (پنجشنبه) و مدارک آن در ص ۶۲ آمده است.
- ممکن است اشکال شود که اتفاقاً جدال بین شیعه و سنی امروز بیشتر از گذشته جنبه حکومتی پیدا کرده است مگر نمی بینیم که بعضی کشورهای تندروی سنی در جهان عرب در رقابت و جدال دائمی با جمهوری اسلامی به عنوان یک کشور شیعی به سر می برند و دائماً در صدد برقراری پیمان های منطقه ای بین سایر کشورهای سنی عرب و نیز قدرت های جهانی غربی علیه این حکومت شیعی هستند؟ برای پاسخ تحلیلی به این اشکال باید وجوه مختلف مسأله را بدین شرح از یکدیگر تفکیک کرد:
 - اولاً آنچه که امروزه در جهان اسلام و در سطح جهان در این موضوع در جریان است، اگرچه تحت عنوان تضاد شیعه و سنی مطرح می شود، ولی حقیقتاً چنین نیست. طرح این موضوع صرفاً یک ابزار و وسیله سیاسی مورد استفاده قدرت های استکباری جهانی و حکومت های منطقه عربی اسلامی وابسته به آنهاست. از نظر قدرت های استکباری غربی، تنها معیار در تقسیم بندی کشورهای اسلامی و عربی، صرفاً وابستگی حکومت های این کشورها به قدرت های جهانی و تبعیت از اصول حاکم بر منافع مادی آنها و حمایت از حضور غاصبانة آنها در منطقه اسلامی با نام و عنوان حکومت اسرائیل می باشد. تمامی کشورهای سنی که در این چارچوب حرکت کنند مورد تأیید و حمایت قدرت های غربی هستند و در مقابل، کسانی که چارچوب فوق را نپذیرند حکومت های مزاحم و غیرقابل تحمل تلقی می شوند. عملکرد و رفتار حکومت های عربی و مسلمان منطقه نیز هیچ ربطی به شیعه و سنی بودن آنها ندارد و چنانچه بخواهند در اصل عقیده اسلامی صادق باشند، باید از این اصل ضروری قرآنی پیروی کنند که تکلیف هر جامعه و نظام مبتنی بر عقیده اسلامی را روشن کرده است. اصل مزبور، یعنی نپذیرفتن ولایت غیرمسلمانان بر مسلمانان، نص صریح قرآن کریم است، آنجا که می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّخِذُوا الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِن دُونِ الْمُنَافِقِينَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ وَاللَّهُ عَالِمُ الْغُيُوبِ» (نساء: ۱۴۴) و نیز در بیان صریحی در مورد یهود و نصاری که می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَى أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَمَن يَتَوَلَّهُمْ سَوَّاهُ مَن ذُو الْقُرْبَى الْمَحْتَضِينَ» (مانده: ۵۱) و یا اینکه می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّخِذُوا آبَاءَكُمْ وَأَوْلِيَاءُ الَّذِينَ آمَنُوا عَلَى الْإِيمَانِ وَمَن يَتَوَلَّهُمْ سَوَّاهُ مَن ذُو الْقُرْبَى الْمَحْتَضِينَ» (توبه: ۲۳). همان طور که ملاحظه می شود این آیات نورانی نص صریح و غیرقابل تأویل بر نفی هر گونه رابطه سلطه آمیز و ولایی کفار و یهود و نصاری بر سرزمین های اسلامی است. هر حاکم مسلمانی که از منطق این آیات تجاوز کند به نص صریح قرآن از آنها (یهود و نصاری) محسوب می شود و از مصادیق بارز قوم ظالم و به دور از هدایت الهی خواهد بود. اعتقاد به این آیات و دلالت محتوایی آنها بین شیعه و سنی مشترک است و لذا همه کشورهای اسلامی از نظر روابط بین المللی با این معیار و خط کش نسبت ←